



# بزرگداشت شاعری که هرگز متوقف نشد

گیسو فغفوری

محمد حقوقی، شاعر و منتقد ادبی، با این که بیمار بود در مراسم حاضر شده بود و از همه چیز گفت: از اختلاف‌های بین شاعران در آن سالیان دور دهه ۴۰، از برخورد با اولین کتاب احمدی (طرح)، از طنزهای زبانی شعر احمدی و از خاطرات گذشته و حال.

به عقیده حقوقی: کتاب احمدی با وجود اینکه اولین اثر وی به شمار می‌آید در دهه ۳۰ را بست و دیگران را در پشت این دروازه قرار داد. انتشار این مجموعه تنها یک اعلام حضور بود اما احمدی با ورود خود تأثیر مستقیم و فوق‌العاده‌ای بر شعر فارسی گذاشت. همه می‌خواستند بدانند این شاعر بعداً چه کار می‌کند و در آن سال‌ها شعر بیژن الهی و احمدرضا احمدی با هم به رقابت می‌پرداختند. این دو با هم متفاوت بودند و فرق داشتند.

حقوقی در وصف طنز احمدی گفت: شعرهای او وابسته به هیچ اسطوره‌ای نبود، عریان عریان بود. او وقتی حرف می‌زد شعر می‌گفت، می‌توانستی با کمی دستکاری آن را به شعر طنزآمیز تبدیل کنی. به نظر من اولین کسی بود که شعر فرامعنا گفت. او مبانی تئوریک را در ذهنش تسویه می‌کرد و به صورت شعر می‌گفت.

حقوقی در بخشی از صحبت‌هایش گفت: شعر احمدی برای کسانی که از سطح معمولی گذشته‌اند و در واقع قشری روشنفکر را تشکیل داده‌اند شعری جذاب است.

شعر غیروابسته

پگاه احمدی از شاعران جوان متنی را خواند که پیرامون کتاب تازه احمدرضا احمدی نوشته شده بود. من و ساعت ۱۰ صبح بود یک سه‌گانه را تشکیل می‌دهند. در عین حال یک فصل بازنگری و مرور در کتاب جدید وجود دارد که آن را می‌جزا کرده است. او درباره ویژگی‌های شعر احمدرضا احمدی گفت: او از معدود شاعران با نگاهی ویژه و متفاوت است که توانست طی سال‌ها منشأ اثر واقع شود. درباره کتاب جای در غروب... باید بگویم که این کتاب کتابی کاملاً متفاوت است. احمدی از معدود شاعران دهه ۴۰ و ۵۰ بود که نسل‌های بعد از خود را تحت‌الشعاع قرار داد و مدعی آفرینشی جدید در شعر شد. سطرسازی‌های بلند، ترکیب پاساژهای معنایی، استفاده از زبان فاخر و عناصر ملموس و در ارتباط با جهان و... مهم‌ترین مولفه‌های شعر احمدی را تشکیل می‌دهد. در جریان شعر او به دو جریان برمی‌خوریم: اینکه شعر او غیروابسته بود و شعرهای خود را و همچنین مضامین آنها را از پیرامون خود می‌گرفت و با ضرورت حس و خیال پرورش‌شان می‌داد. ساده و بی‌تکلف بودن زبان هم از دیگر ویژگی‌های شعر وی بوده‌اند. شعر او شناسنامه دارد و حتی غیرشاعرانه‌ترین کلمات را در کسوت شاعرانه مین می‌کند.

شعر متنور ایران با احمدی آغاز شد

از نظر حافظ موسوی در تاریخ هشتاد ساله فارسی اسماعیل شاهرودی، نیما و شاملو و احمدرضا احمدی در نسل‌های بعد از خود تأثیرات بسزایی گذاشتند و در عین حال اولین شاعر شعر متنور ما است. موسوی با بیان اینکه به تازگی مقاله‌ای نگاشته و در آن به مساله نثر در شعر فارسی پرداخته است، افزود: نیما از آغاز جوانی هدفش این بوده است که شعر را به نثر نزدیک کند. شعر باید نثر موزون باشد. موسوی تأکید کرد: در واقع احمدی را می‌توان در این زمینه شاگرد خلف نیما دانست، البته از این نمونه‌ها در شعر هوشنگ ایرانی هم می‌توان مشاهده کرد. احمدی طبعاً به پیروی از نیما کوشید تا نظم و نثر را با یکدیگر همسو کند، بنابراین شعر وی مبتنی بر نثر و کارکردهای توصیفی است. او در کارکردهای توصیفی به ساختارهای مدرنیستی دست می‌یابد و میل تقلید را در دیگر شاعران برمی‌انگیزد. زبانی که وی در شعر انتخاب کرده ظرایف بسیاری دارد. شعر او همه‌جانبه است و با رویکردی گسترده و وسیع به مسائل اجتماع خود می‌نگرد.

مسائل فراموش نشده

قرار است به زودی ویژه‌نامه‌ای در فصلنامه گوه‌ران مخصوص احمدرضا احمدی منتشر شود. بابک احمدی هم مقاله‌ای برای این ویژه‌نامه نوشته بود که بخش‌هایی از آن را در مراسم خواند. منتظر بودیم بابک احمدی، از اهالی فلسفه، سخنرانی سختی ارائه دهد، اما او سختی‌ها را آسان کرده بود و به توضیح رابطه شخصی‌اش با شعر احمدرضا احمدی پرداخت؛ خاطراتی که از خلال خاطره‌ها و تجربه‌هایش روایت می‌شد و بسیار جذاب بود. او از دغدغه‌های فراموش‌نشده‌ی اجتماعی احمدی هم گفت.

خیلی کوتاه

احمدرضا احمدی هم به همراه ماهور (دخترش) و شهره (همسر مهربانش) در مراسم حضور داشت. او در پایان یکی از اشعار خود را با نام تو در یاد آشفته‌ای روخوانی کرد، هرچند در طول مراسم هر آن کس که برای صحبت می‌آمد یکی از اشعار او را می‌خواند.

● برای آنانی که مدت‌ها خبر بیماری احمدرضا احمدی را می‌شنیدند و دنبال می‌کردند، پنجشنبه ۹ خرداد فرصت خوبی بود تا او را بار دیگر سرحال و سرخوش ببینند. در آن بعدازظهر، مراسم از آن او بود و شعرهایی که به تازگی در کتاب جای در غروب جمعه روی میز سرد می‌شود سروده بود؛ شعرهایی از خانواده‌اش، مرگ و زندگی، عشق و لحظه‌هایی کوتاه که با کلمات احمدی شعر شده بودند.

خیلی‌ها آمده بودند تا در رونمایی این کتاب از شعرها و احمدرضا احمدی بگویند: بابک احمدی، آیدین آغداشلو، محمد حقوقی، پگاه احمدی، حافظ موسوی و بسیاری دیگر از دوستان و آشنایان؛ در روزی که حال احمدرضا احمدی خوب بود و یکی از چشمانش که بعد از ۶ ماه بینایی کاملی نداشت روشن شده بود و خوب می‌دید چند نفری هم نیامده بودند که احمدی دوست داشت باشند: مسعود کیمیایی و محمدعلی سبانیلو و شمس لنگرودی.

● نگاه کردن به دنیا با شعرهای احمدی

آیدین آغداشلو اولین نفری بود که درباره‌ی احمدی گفت، بدون این که از خاطراتش بگوید نکته‌های جذابی را از احمدی و شعرهایش گفت.

آغداشلو گفت: من درباره‌ی احمدرضا احمدی تا به حال کوتاهی نکرده‌ام. او یکی از دوستان قدیمی من است. تا به حال در چهار بزرگداشت او سخنرانی کرده‌ام، در فیلمی که درباره‌اش بود، بازی کردم و حداقل ده مقاله برایش نوشتم. او یکی از شایسته‌ترین و تجلیل‌شده‌ترین شاعران نسل خویش است.

این دوست سالیان گفت: احمدی شاعری است که هرگز دوران نزول و سکوت و در واقع توقف فعالیت نداشته است. این زنده ماندن نشانه هنرمندی است که گزند نمی‌بیند. روح ظریف او جا داشته که از لمس مرگ خاموش نشده. او همیشه کار می‌کرده و شعر ناب و خالصش مانند نجوایی طولانی می‌ماند. احمدی در طول ۵۰ سال به تدریج شعر خود را به کمال رساند. شعرهای او راهی پر پیچ‌وخم را طی کرد تا توانست به موفقیتی صعودی دست یابد. شخصیت احمدرضا احمدی قوام‌یافته و غنی است و او با اشراف به جهان پیرامون خود می‌نگرد. با شعرهای او نگاه کردن به دنیا را یاد گرفتم. شعرهای او و سعدی شعرهای بالینی من هستند.

آغداشلو در پایان گفت: خدا او را برای ما نگه دارد، تعداد کتاب‌هایش را زیاد کند، عمرش همچنان زیاد، زبانش همچنان تلخ و گزنده، قهرهایش کوتاه و مهربانی‌هایش درازمدت باد.

● در شعرهای دهه ۳۰ بسته شد